

## چو زرین قبایش بخوانی رواست؟

نقد و بررسی زرین‌قبانامه (منظومه حماسی شاهنامه اسدی)

● کامران ارژنگی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد k.arzhang@gmail.com

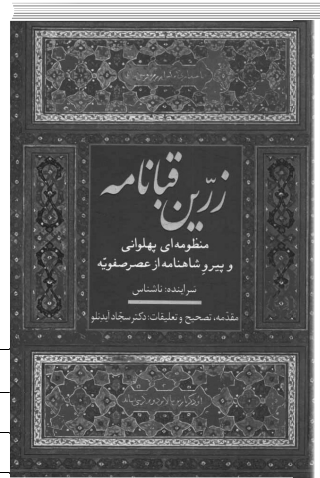
### چکیده

شاهنامه اسدی، زرین‌قبانامه، منظومه‌ای حماسی و دارای ۲۳۱۳۳ بیت است که سال ۱۳۹۳ و در طرح «مجموعه متون و تحقیقات حماسی» به تصحیح و تحقیق «سجاد آیدنلو» منتشر شد. زمینه اصلی این منظومه، درست مانند روایات چندلشکری طومارهای نقالی است؛ بدین گونه که چندلشکر که شامل فرزندان و نوادگان رستم هستند، در برابر یکدیگر و همچنین در برابر جد خود رستم قرار می‌گیرند. تفاوت بارز این منظومه با طومارهای چندلشکری، شاید فقط در حضور زرین‌قبا، طور پسر جهانگیر و نوه رستم، است. این شخصیت لشکر جدیدی به این روایت دیرینه افزوده است و سبب می‌شود که آیدنلو، به صورت پیشنهادی، نام این منظومه را «زرین‌قبانامه» بگذارد؛ و گر نه ماجراهای اصلی این منظومه حول شخصیت زرین‌قبا نمی‌گردد. در این مقاله، نگارنده پس از ذکر مقدماتی درباره نام و محتوای این منظومه، پیشنهادهایی درباره تصحیح برخی ابیات آن ارائه کرده است.

کلیدواژه: شاهنامه اسدی، زرین‌قبانامه، آیدنلو

### مقدمه

از این منظومه حماسی، سه دست‌نویس در دست است: ۱. دست‌نویس کتابخانه ملی، با عنوان شاهنامه اسدی به شماره ۱۶۰۹/ ف مورخ (۱۲۷۱ هـ.ق)؛ ۲. دست‌نویس کتابخانه مجلس، با عنوان نریمان‌نامه یا رستم و سلیمان اسدی به شماره ۱۰۳۹/۷ که تاریخ کتابت آن را سده سیزدهم هجری تخمین زده‌اند؛ ۳. دست‌نویس کتابخانه مجلس، با عنوان زرین‌قبای هفت لشکر اسدی به شماره ۱۳۵۸۱ که تاریخ کتابت آن (۱۳۲۵ هـ.ق) است. چنان‌که مشاهده می‌شود، در هر سه نسخه، نام سراینده منظومه «اسدی» ذکر شده است و با این‌که اطلاعی از او نداریم، به‌سادگی نمی‌توان از آن گذشت. آیدنلو، در مقدمه کتاب می‌گوید: «دو بار در نسخه



■ \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). زرین قبانامه (منظومه‌ای  
پهلوانی و پیرو شاهنامه از عصر صفویه). تصحیح و  
تعلیقات سجاد آیدنلو. تهران: سخن.

کتاب خانه ملی و دو بار در دست‌نویس دوم مجلس، نام ناظم اثر «حکیم اسدی» ذکر شده است. همچنین در ساقی‌نامه‌ای که در بیت‌های ۳۳۰۸ - ۳۳۴۷ منظومه آمده است، در سرنویس نسخه کتاب‌خانه ملی و نسخه نخست مجلس، باز هم سراینده حکیم اسدی است. با توجه به آگاهی‌هایی که از سرگذشت اسدی توسی، ناظم گرشاسپ‌نامه و مؤلف لغت فرس، به دست ما رسیده است و به‌ویژه مقایسه ویژگی‌های سبکی سخن او در گرشاسپ‌نامه با نظم زرین‌قبانامه، هیچ تردیدی در نادرستی این انتساب نخواهد بود (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۴۰). چنان‌که مشاهده می‌شود، استدلال مصحح منظومه ضعیف است و دلیلی ندارد این اسدی را همان اسدی طوسی بدانیم. خود مصحح در ادامه می‌گوید: «ممکن است برای برخی از محققان و خوانندگان این احتمال پیش آید که شاید اسدی یادشده در نسخ زرین‌قبانامه غیر از صاحب گرشاسپ‌نامه و سراینده‌ای دیگر با همان تخلص است. این گمان به ظاهر محتمل می‌نماید، به‌خصوص که به استناد فرهنگ سخنوران، گوینده‌ای به نام «میر اسدالله» نیز بوده است که به «اسدی اصفهانی» معروف بود؛ اما در ترقیمه نسخه دوم مجلس، کاتب به تصریح سراینده کتاب زرین‌قبا را «اسدی طوسی» نوشته است. این نشان می‌دهد که به نظر او صاحب منظومه، همان اسدی طوسی معروف بوده است، نه شاعری دیگر با تخلص همسان» (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۴۰). استدلال دوم ایشان هم سست است؛ زیرا نظر کاتب به‌هیچ‌وجه قابل اعتنا نیست. کاتب نسخه نام اسدی را دیده و از روی کم‌سوادی و با سابقه ذهنی‌ای که از منظومه حماسی گرشاسپ‌نامه داشت، به گمانش همان اسدی معروف است و چنان‌که از کاتبان دیگر هم فراوان دیده‌ایم، چیزی از خود به متن افزوده و «اسدی» را تبدیل به «اسدی طوسی» کرده است. البته این دلیل نمی‌شود کل ماهیت وجودی سراینده را نادیده بگیریم و روی جلد کتاب بنویسیم «از سراینده‌ای ناشناس». نکته مهم دیگر، آن است که با توجه به محتوای منظومه - که شامل لشکرکشی چند تن از فرزندان و نوادگان رستم در برابر یکدیگر است و ساختاری مانند طومارهای

نقالی چندلشکری دارد - عنوان «شاهنامهٔ اسدی» و «هفت‌لشکر اسدی» تأمل‌پذیرتر است که در دست‌نویس‌های اول و سوم آمده است. به نظر نگارنده، چون چنین متونی شامل داستان‌های متفاوتی از شخصیت‌های گوناگون است و به‌صورت منفرد به یک پهلوان (مانند سام‌نامه) نمی‌پردازد، عنوان «شاهنامه» برای آن‌ها مناسب‌تر است. عنوان «زرین‌قبانامه»، این‌گونه به ذهن مخاطب القا می‌کند که این منظومه، شرح پهلوانی‌های پهلوانی به نام زرین‌قباست؛ اما چنین نیست و دراصل این نام مستعار برای «طور» فرزند «جهانگیر» و نوهٔ «رستم» است. در این دست‌روایت‌ها، برگزیدن نام‌های مستعار، فراوان به چشم می‌خورد؛ مانند: نام مستعار «البرز» که رستم در داستان ببر بیان و در مواجهه با زال بر خود می‌نهد (ناینگلی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۷). نام مستعار «بهرام» که سام در مواجهه با خواجه سعدان بر خود می‌نهد (انجوی‌شیرازی، ۱۳۶۳، ص. ۲۱۵). نام مستعار «بهرزاد» که رستم در شهرآچین بر خود می‌گذارد (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۶۲۳). نام مستعار «سیاهپوش» که رستم در مواجهه با فرامرز، بیژن و بانوگشسب بر خود می‌نهد (طومار کهن شاهنامهٔ فردوسی، ۱۳۷۴، ص. ۴۱۸). نام مستعار «طیفور» که گرد یاقوت‌پوش، گرشسب ثانی، در بارگاه حورانه دختر حمیران بر خود می‌نهد (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۹۷۴). نام مستعار «فرخزاد» که گشتاسب در روم بر خود می‌گذارد (انجوی‌شیرازی، ۱۳۶۳، ص. ۱۹۷) و نشر نقالی شاهنامه، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۵؛ نام مستعار «مهران» که بیژن در مواجهه با فرحزاد، دختر شاه ری - که در اصل سراقهٔ جادو است - بر خود می‌نهد (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳، ص. ۷۱۵) و ...

شاهنامهٔ اسدی تاکنون دو بار تصحیح و یک بار منتشر شده‌است. «فرزاد قائمی» و «سجاد آیدنلو» تقریباً هم‌زمان و بدون اطلاع از کار یکدیگر این متن را تصحیح کرده‌اند. انتشارات سخن، تصحیح سجاد آیدنلو را سال ۱۳۹۳ و در ۲۳۱۳۳ بیت منتشر کرد. تصحیح فرزاد قائمی نیز در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهد شد. در ادامه، متن این منظومه بررسی می‌شود.

## بحث و بررسی

نگارنده متن این کتاب را در چند بخش بررسی می‌کند: ۱. نکته‌ای در مقدمهٔ کتاب؛ ۲. یک‌دست نبودن متن؛ ۳. سرنویس‌ها؛ ۴. فهرست نام کسان؛ ۵. پیشنهادهایی برای تصحیح متن کتاب؛ ۶. اغلاط چاپی.

### ۱. نکته‌ای در مقدمهٔ کتاب

مصحح کتاب در صفحهٔ ۶۷، سطر ۱۳ به این مسئله اشاره می‌کند که در این منظومه، چند بار حرف «گاف» در واژهٔ «شگفت» مضموم است و با واژگان «گفت» و «بگفت» قافیه شده است و چند شاهد از متون دیگر برای مضموم خوانده شدن «شگفت» می‌آورد. وی همچنین به لغت‌نامهٔ دهخدا ارجاع می‌دهد: «مرحوم علامه دهخدا «شگفت» را

با دو حرکت «گ» مکسور و مضموم ضبط کرد و با اشاره به حرکت فتحه، کسره و ضمّه برای «گ» در فرهنگ *آندراج*، شاهی از فردوسی و سعدی نیز برای هم‌قافیگی این واژه با «بگفت»، «خفت» و «نهفت» آورد. بیت منقول از فردوسی در لغت‌نامه در چاپ‌های معتبر شاهنامه نیست؛ ولی بیت سعدی در غزل‌های سعدی، به تصحیح شادروان یوسفی هم آمده است.

نگارنده شاهد مثال فردوسی را نیافت؛ اما تکلیف مشخص است و در چاپ‌های معتبر شاهنامه نیست. اما در مورد شاهد مثال شعر سعدی:

گر کشته شوم عجب مدارید  
من خود ز حیات در شگفتم  
به مطلع:

طاقت برسید و هم بگفتم  
دردت که ز خلق می‌نهفتم  
(سعدی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰۲)

در این ابیات، شاعر «شگفت» را با «نهفت» قافیه نکرده است، بلکه براساس اختیارهای شاعری (آمدن مصوت بلند بعد از حرف *رَوی*)، «شگفتم» را با «نهفتم» قافیه کرده است. در این صورت، قافیه صحیح است و ایرادی ندارد. پس این بیت، شاهد مناسبی برای این مسئله نیست.

## ۲. یک‌دست نبودن متن

متن این منظومه، یک‌دست تصحیح نشده است. برای نمونه: در بیت ۱۹۳۴ «کهواج» و در بیت ۲۰۶۶ «کهواج» ضبط شده است. در بیت ۳۸۸۶ «شکس» و در بیت ۴۶۸۲ «شکس» ضبط شده است. در ابیات ۶۱۸، ۶۱۹ و ۱۲۲۷۴ «هزبرافکن» و در بیت ۱۱۷۶۰ «هزبرافکن» آمده است. این روش درستی برای تصحیح متن نیست و نمی‌توان به این کار «تصحیح متن» گفت. تمام ضبط‌ها باید در متن یک‌دست شود و فقط در موارد ضروری در پاورقی به آن‌ها اشاره شود. چندجا برای واژه «زرین» تشدید گذاشته است که درست نیست. از جمله:

بیت ۲۹۸۶: «در آن جا یکی باغ بینی زرین  
بیت ۳۶۸۰: «سلیمان دگر باره انگشترین  
بیت ۷۴۸۲: «فکندند او را به تخت زرین  
بیت ۱۱۸۴۹: «درخت زرین از بر تخت زر  
بیت ۱۲۳۴۵: «ز هر سو گوان بانگ برداشتند  
بیت ۱۵۶۰۶: «به لوح زرین دید از بهر آب  
بیت ۱۸۹۰۹: «بر تخت زر بد درخت زرین  
بیت ۱۹۰۲۴: «نشسته بر افراز تخت زرین  
بیت ۱۶۴۴۱: «ز دیده فشاندند بر وی سرشک

در مقدمه کتاب (ص ۶۷ - ۶۸) نوشته شده است که صورت «پژشک» - که در بیت ۱۱۸۹۱ نسخه «م» و بیت ۱۳۶۸۳ نسخه‌های «م» و «م» آمده است - به متن برده شده است. نخست، این انتخاب باید در تمامی موارد در متن می‌آمد، نه چنان که در بیت ۱۶۴۴۱ مشاهده

می‌شود. دوم، در این متن به جای «هژبر بلا»، همه‌جا «هزبر بلا» آمده است و به نظر می‌رسد، باید تمام «ز»ها و «ژ»ها در متن یک‌دست شود.

### ۳. سرنویس‌ها

غالب سرنویس‌ها، چند بیت (حدود ۱۵-۲۰ بیت) پایین‌تر از مکان اصلی خود آمده است. برای نمونه، در صفحه ۲۰۱ و ۲۰۲ (ابیات ۳۵۸-۳۷۳) بیژن، فولاددیو را می‌کشد و با کلال پری وارد میدان نبرد می‌شود؛ سپس این سرنویس آورده می‌شود: «کشته شدن فولاددیو به دست بیژن و رزم کلال پری با بیژن و انداختن بیژن یک دست او را گوید». متأسفانه این موارد کم نیست و عمده سرنویس‌ها همین مشکل را دارد. بهتر بود مصحح آن‌ها را اصلاح می‌کرد و در جای مناسب خود قرار می‌داد. برای نمونه: (سرنویس، ص. ۱۹۳)، (سرنویس ص. ۵۱۱)، (سرنویس، ص. ۶۸۶)، (سرنویس، ص. ۶۹۴)، (سرنویس، ص. ۷۱۵)، (سرنویس، ص. ۷۱۷) و (سرنویس، ص. ۷۹۳).

سرنویس صفحه ۷۰۶ استثنائاً زود آمده است. سرنویس صفحه ۳۲۴ هم اشتباه نوشته شده است: «در برگشتن کریمان بن برزوی از رزم زرّین قبای و در شکستن زرّین قبای کتف کریمان و شکستن کریمان زانوی زرّین قبا». در حالی که در متن منظومه، کریمان کتف زرّین قبا و زرّین قبا زانوی کریمان را می‌شکند. سرنویس صفحه ۶۴۰ نیز اشتباه است. «فهرست» پسر جبارشاه نیست، بلکه از پهلوانان سپاه کیوان (پسر جبارشاه) است که نامه کیوان را نزد رستم می‌برد (ابیات ۹۵۷۵-۹۵۷۷). چند صفحه بعد نیز که کیوان به پدرش نامه می‌نویسد، از کشته شدن برادرش «شیروی» و اسارت برادر دیگرش «بهرام» سخن می‌گوید و از کشته شدن فهرست حرفی به میان نمی‌آورد. سرنویس صفحه‌های ۴۲۷ و ۴۲۹ نیز تکراری است.

### ۴. فهرست نام کسان

فهرست نام کسان دقیق نیست. برای نمونه: نام «مه‌رند» در ابیات ۱۲۳۰۸، ۱۳۲۷۵، ۱۸۹۲۵ و ۱۹۸۷۹ (به‌اشتباه ۱۹۷۷۹) آمده است؛ ولی در فهرست به آن‌ها اشاره نشده است. نام «شیردم» در بیت ۱۶۵۱۷ به‌اشتباه ۱۶۵۲۲ ثبت شده است. در بیت ۱۵۴۶۳ نیز نام شیردم نیامده است و همچنین در بیت ۲۰۱۱۲- که نام او آمده- در فهرست نام کسان نیست.

بیت ۴۳۰۰: «یکی اهرمن بود بس پیل نام  
نشسته بر او دیو با رای و کام»  
مصحح متن، در فهرست نام کسان (ص ۱۳۶۰)، «بس پیل» را آورده است. به دو دلیل به نظر می‌رسد که بس پیل، اسم خاص نیست؛ یکی آن که در این بیت، بس پیل به نظر «مَرکب» می‌آید؛ زیرا در مصرع دوم می‌گوید که دیو بر او نشسته است. دودیدگر این که هیچ توضیحی در مورد او ارائه نشده است. شاعر هرگاه از شخصیتی نام می‌برد، مبارزه و شیوه مرگ او را روایت می‌کند؛ اما در این بخش از داستان، هیچ نبردی صورت نمی‌گیرد و هیچ اطلاعاتی از این شخصیت داده نمی‌شود؛ پس به نظر می‌رسد در تصحیح بیت، اشتباهی رخ داده است.  
نام «سیه‌دیو» که در ابیات ۷۱۸۲، ۷۱۸۷، ۱۲۵۳۷، ۱۲۵۵۲، ۱۲۵۵۶، ۱۳۳۳۶، ۱۳۶۱۵،

۱۹۹۰، ۲۰۱۲۲ و... آمده است، در فهرست نام کسان دیده نمی‌شود. «سیه‌دیو» براساس روایت شاهنامه‌اسدی، فرزند دیو سفید است که از راه شیطان بازمی‌گردد و در سیستان خادم خاندان رستم می‌شود (زرین‌قیانامه، ۱۳۹۳، ص. ۵۲۶). همچنین نام «نسرین عذار»، همسر برزو و مادر کریمان، که در صفحه‌های ۵۸۰ و ۵۸۱ آمده است، در فهرست نام کسان دیده نمی‌شود. نام «زنکی زوش»، رکابدار و لله جهان‌بخش، که در ابیات ۱۳۰۹۸، ۱۳۱۲۵ و ۱۳۱۷۱ آمده است، در فهرست نام کسان دیده نمی‌شود. نام «خدیدو مرصع کلاه»، پدر قمرطلعت (همسر جهان‌بخش و مادر گرشسب ثانی) که در ابیات ۱۳۳۲۲، ۱۳۳۴۵ و ۱۳۵۴۹ آمده است، در فهرست نام کسان دیده نمی‌شود.

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۱۶

در متن منظومه، دو «فریلاس» وجود دارد؛ یکی دیوی است از یاران قهرش دیو که به دست کریمان کشته می‌شود (ص. ۴۸۶ - ۴۸۷). دیگری پسر انکیس دیو است که پدرش قاتل برزوست و خودش زمانی که در نبرد با تمور شکست می‌خورد، خدمتکار تمور می‌شود و کمهران دیو را می‌کشد (ص. ۸۳۱ - ۹۱۸)؛ اما مصحح محترم فقط یک‌بار نام فریلاس را در فهرست نام کسان آورده است. نام «مهرتابان» - پری‌زادی که پدرش خاقان چین است - که در بیت ۲۰۵۵۹ آمده است، نیز در فهرست نام کسان دیده نمی‌شود.

### ۵. پیشنهادهایی برای تصحیح متن کتاب

در توضیحات بیت ۱۵۳:

«شنیدم که گردان ایران زمین  
کمر بند در کین چو شیر غرین»  
نوشته‌اند: «غرین در این منظومه و بعضی از متن‌های دیگر با (غ) و صفت شیر است و ظاهراً از آن معنای «غرآن» را درمی‌یافته‌اند؛ اما گویا صورت درست واژه «غرین» به معنای «بیشه» است. دهخدا به نقل از غیاث‌اللغات و آندراج، نوشته است: «این لفظ (غرین) در صفت شیر واقع می‌شود؛ پس این لفظ را به غین معجمه خواندن و به معنی شور کننده فهمیدن محض خطاست، صحیح به عین مهمله است، به معنی بیشه و صحرا که در آن شیر ماند.» همچنین نوشته است: «در بعض نسخ شاهنامه فردوسی بیت زیر آمده:

«به پیش سپهبد بزد بر زمین  
نشست از برش همچو شیر غرین»  
ولی غلط است و در فهرست ولف عرین به عین ذکر شده و غرین نیامده است». با توجه به این که واژه «غرین» صحیح نیست و شاید خطای کاتب است، بهتر است به پاورقی برود و همان صورت «عرین» در متن ضبط شود.

بیت ۳۹۱۹: «روان کرد برم تاج و تخت و کمر  
همان گنج پرگوهر و سیم و زر»  
«کن» صحیح است.

در بیت ۴۰۲۹: «بگفتا تو را چیست این گفتگوی  
اگر بهر جنگ آمدی جنگجوی؟»  
نخست این که «گفت و گوی» درست است و ساختار واژه چنین است: «بن ماضی مصدر + و بن مضارع همان مصدر». دوم، مصرع دوم علامت سؤال لازم ندارد و باید «جنگجوی» (جنگ بجوی) ضبط شود. در واقع «گوی» و «جوی» واژگان قافیه است. می‌گوید اگر برای جنگ

آمده‌ای، پس بجنگ.

بیت ۵۳۸۵: «ز باغ جوانی نچیدی گلی

«ندیدی» درست است.

ندیده چمن را تو نو بلبلی»

بیت ۶۲۴۶: «به جنگی کریمان ثنا گسترید

که‌ای؟ مثل تو در زمانه ندید»

«که ای» درست است و علامت سؤال نیاز ندارد. بهرام کریمان را می‌شناسد و از او

نمی‌پرسد که چه کسی هستی. در واقع، مصرع دوم در ثنای کریمان است.

بیت ۶۳۲۹: «کنون من به خونت ببندم کمر

به ناخن بدرمش از یکدگر»

«خونش» صحیح است.

بیت ۶۴۱۵: «بگفت این بگفتش از کین کمر

ورا نیز بر بود از زین زر»

«او] بگرفتش» صحیح است.

بیت ۶۴۵۵: «به پیش نبی تا به دارت کشد

به صدگونه خواری و زارت کُشد»

باید واژه «کشد» - که در این بیت ردیف است - در مصرع نخست نیز مضموم ضبط شود.

در واقع، قافیه‌های بیت «دارت» و «زارت» است. «کشد» در مصرع نخست از مصدر «کشتن»

است، نه مصدر «کشیدن». شبیه به این مورد، در بیت ۱۳۱۹۰ هم دیده می‌شود:

«فرید به عشو به دامت کشد

چه ماندی به دامش به کامت کُشد»

در این بیت نیز به نظر می‌رسد واژه‌های «دامت» و «کامت» قافیه و «کشد» ردیف است؛

البته «کشد» در مصرع نخست از مصدر «کشیدن» است.

بیت ۷۰۶۳: «شمیلاس گردان مازندان

سوی زال انگیخت اسب چمان»

«شمیلاس او] گردان» درست است و برای فاعل جمع، فعل مفرد آمده است.

بیت ۷۲۲۲: «پریوش بتی نام بودش کلان

یکی دستش افتاده بد در نهان»

«کلان» درست است که یک دستش را بیژن قطع می‌کند:

«بدو گفت بیژن که ای ماهروی

که بر خاک پایت نهد ماه روی

کلان پری را به شمشیر تیز

من افکنده‌ام دست و یال از ستیز»

(ابیات ۷۲۳۴ - ۷۲۳۵).

بیت ۸۵۹۸: «بسا کس که آمد نشد باز پس

کس کشتن خود نکرده هوس»

«کسی» یا «که] کس» درست است.

بیت ۱۰۸۹۰: «ورا نیز آصف چین بوسه داد

ز دیدار او جمله گشتند شاد»

«جبین» درست است؛ به قیاس بیت ۱۰۸۸۴:

«ببوسید آصف مر او را جبین

بگفتش که بی تو مبادا زمین»

بیت ۱۱۴۴: «ببوسید دست سلیمان راد

سلیمان بدو خلعت و پاره داد»

در بیت ۱۳۲۸۰ آمده است:

«سزاوار او خلعت و باره داد

کهیلان و مهراس از او گشت شاد»

شاید «پاره» است، به قیاس بیت ۲۰۶۹۸:

«دگر یاره و گوشوار و کمر

تیک‌ها مرّصع به درّ و گهر»

بیت ۱۲۵۷۷: «بگفتا بترسم که عادی نژاد  
 دهد شاه با زال سر را به باد»  
 «را سر» درست است.

بیت ۱۳۳۶۸: «بیایی به میدان اگر سوی جنگ  
 ز زن کمتری گر نمای درنگ»  
 «نیایی» درست است. «گر» در مصرع دوم به معنای «یا» است و بیت باید چنین خوانده  
 شود:

«نیایی به میدان اگر سوی جنگ  
 یعنی اگر به میدان جنگ نیایی و یا درنگ کنی، از زن کمتری.

بیت ۱۳۷۶۱: «چه یک سال از دست او می کشم  
 به بانگ دف و ناله نی کشم»  
 «می کشم» درست است.

بیت ۱۴۳۷۱: «یکی از ز شمشیر بازو فتاد  
 یکی داد از گرز جان را به باد»  
 «را» درست است.

بیت ۱۴۷۳۸: «به شه خواند بی حد و بی مرز درود  
 سرشک از دو دیده به رخ می زدود»  
 «بی مرز» درست است.

بیت ۱۵۱۵۲: «فریلاس زد غرم بر باینز  
 به نظر می رسد «آن» درست است.

بیت ۱۵۲۶۸: «بگویم ز زال وزان اهرمن  
 به یاری دادار بی چون سخن»  
 «و ز آن» درست است.

بیت ۱۵۶۵۶: «ستاده بر زال زرین قبا  
 همان بیژن گیو [او] دیو نراژدها»  
 یا «گیو» زائد است یا «دیو». بیت باید یا به صورت «همان بیژن گیو [او] نراژدها» ضبط شود.  
 یا این که به صورت «همان بیژن [او] دیو نراژدها»؛ اما با توجه به این که شاعر پهلوانان ایران  
 را در کنار زال نام می برد، به نظر می رسد صورت درست بیت، چنین است: «همان بیژن گیو  
 نراژدها».

بیت ۱۵۷۹۰: «همه تشتها پر ز یاقوت و دُر ز لعل و گوهر بود آن خانه پر»  
 «گهر» درست است.

بیت ۱۶۵۵۸: «بلرزید دل در بر شهریار  
 فرامرز را گفت کای شهریار»  
 ترکیب اضافی مغلوب است و باید واژه «شهر» به سکون «راء» نوشته شود؛ یعنی یاری دهنده  
 شهر که صفت فرامرز است.

بیت ۱۶۷۸۲: «زنخ سیب سیمین و بر سیب سیمینش چاه کسی سیب سیمین ندیده به  
 ماه»

واژه «سیمین» زائد است و صورت درست مصرع نخست، چنین است: «زنخ سیب و بر  
 سیب سیمینش چاه».

بیت ۱۶۹۵۵: «ندیدم چه تو خواجه اندر جهان  
 نه ای مایه‌ور نام کردی نهان؟»  
 علامت سؤال زائد است. می گوید مایه‌ور (سرمایه‌دار / تاجر) نیستی، نام خودت را پنهان  
 کرده ای (تاجر نیستی، پهلوانی). به قیاس بیت ۱۶۹۸۵: «بدو گفت کای شاه کندآوران



نگفتم نه‌ای مایه‌ور در جهان؟»

بیت ۱۷۰۷۲: «زدم تیر بسیار بر پیکرش نه برتافت از راه کینه سرش»

«بیرتافت» (برتافت) درست است، مانند «بگذاشت» در بیت ۱۷۰۹۹.

بیت ۱۷۰۹۹: «بگذاشت دستان که کسی سوی جنگ شتابد به جا کرد لشکر درنگ»  
«که» زائد است.

ابیات ۱۷۳۷۲ و ۱۷۳۷۳:

«که ای پور آهنگر بی هنر

بدین نامداری به کندآوران

در پایان هر دو بیت، باید علامت سؤال بیاید.

بیت ۱۷۵۴۴: «گهی ناز و شادی و گهی بند و دار

حرف «واو» باید حذف شود.

بیت ۱۷۶۵۴: «بدی سال و بالش ز رستم فزون

«یال» درست است. بیت در وصف گرشسب‌ثانی، پسر جهان‌بخش، نوه فرامرز و نبیره رستم، است و سال او از رستم فزون نیست.

بیت ۱۷۷۰۳: «به خواندگی و به سازندگی

بیامد بر ما به سازندگی»

قافیه تکرار شده است. در این مصرع، به نظر می‌رسد، «سازندگی» تصحیف «بازندگی» در معنای حيله‌گری و مکاری است و «سازندگی» در مصرع نخست، در معنای «ساززنی» و «نوازندگی» است.

بیت ۱۷۷۴۱: «دل زال در بر درآمد به جوش

همی گفت با ناله و خروش»

«با] خروش» درست است.

بیت ۱۷۷۶۲: «چه گرشسب گرد اندر آمد به دام

بدو تنگ‌تر گردید آن خمّ خام»

«گشت» درست است.

بیت ۱۷۸۵۵: «به هر جا شتابد روان شد برش

که آخر درآری به زیر اندرش»

«شو» درست است.

بیت ۱۸۳۹۰: «تو با آن جوان نقابی یکوش هر آن چیز گوید تو از وی نیوش»

«مکوش» درست است. در چند بیت قبل می‌گوید:

«نمی‌خواست بر گردد از کارزار

بکوشد بدان تازی نابکار

به یاد آمدش خواب گرشسب را

که با وی از این کرد در خواب یاد

که آید نقابی سوار دلیر

مهاران را سر درآرد به زیر

تو با آن جوان نقابی مکوش

هر آن چیز گوید تو از وی نیوش

چه خواب نیا آمد او را به یاد

عنان را کشید و به یک سو نهاد»

بیت ۱۸۵۵۵: «اگر رای آری سوی کین و جنگ

بجو میاور زمانی درنگ»

«او] میاور» درست است.

بیت ۱۸۵۸۶: «دو صد لعن نیزه به هم برزدند

که از یک‌دگر داد دل بستدند»

- «طعن» درست است.  
بیت ۱۸۶۵۱: «همانا بترسید از گرز من  
«بازوی او» درست است.  
بیت ۱۸۸۰۴: «بترسم که این هر دو آتش نهاد  
«کز» درست است.  
بیت ۱۸۸۷۹: «به خوانندگان و به ساقی گری  
«خوانندگی» است.  
بیت ۱۹۲۴۹: «بینم نبرد دو شیر ژیان  
«گردم» درست است.  
بیت ۱۹۳۹۱: «بخوردند باده که تا شب روز شد  
«تا» زائد است.  
بیت ۱۹۵۳۹: «که هر ماه سه شب را بود زان تو  
«مه» درست است.  
بیت ۲۰۰۳۹: «بگفتا پدر بد مرا پیلسم  
«شیردم» در بیت ۵۴۸۱ با «غم» و در ابیات ۶۰۹۱، ۶۸۹۱، ۸۱۵۶، ۱۳۵۶۳، ۱۴۱۸۰،  
۲۰۰۱۰ و ۲۰۱۱۲ با «دژم» قافیه شده است. «پیلسم» نیز در ابیات ۳۷۳۷، ۴۷۸۲ و ۸۱۸۳ با  
«دژم» قافیه شده است. این نام در شاهنامه فردوسی نیز به فتح «سین» است و اعراب گذاری  
مصحح محترم درست نیست.  
بیت ۲۰۰۶۹: «که باب تو را سر ز کند زار  
«ز [تن]» درست است.  
بیت ۲۱۵۲۳: «تمانی به بند ای سرافراز مرد  
«بمانی» درست است.  
بیت ۲۱۵۷۳: «جوابش تو بدهی او زر خورد  
«بدهی او» درست است.  
در بیت ۲۱۶۵۸: «جهان بخش و سام و فرامرز راد  
«سام فرامرز» درست است. در این بخش از داستان، فرامرز حضور ندارد و در بیت می گوید:  
«به نزد در باغ بد آگیر مر آن هر دو (جهان بخش و سام پسران فرامرز) جستند از باره زیر»  
بیت ۲۲۱۳۰: «امید از روانش همان گه بدید  
«برید» درست است.  
بیت ۲۲۷۱۰: «چه سازد به ما گردش روزگار  
«بیداد کار» درست است.  
در بیت ۲۲۷۷۴: «سر و دست آن دزد وارون گرفت شمیلان از او ماند اندر شگفت  
«سر دست» درست است. به قیاس ابیات ۲۲۷۷۶ و ۲۲۷۷۷:  
«کزین سان گرفتی مرا دست و گرز  
هراسان شدی بر تن و یال و برز

گرفتم که از چنگت آرم برون»  
بدو داد گفت ای پیلتن»

بکوشیم تا سر پر زند آفتاب»

تهمتن بگفتش که ای دزد دون  
بیت ۲۲۹۷۹: «ز سر تا به پا خلعت خویشتن  
«اگو» پیلتن» درست است.

بیت ۲۳۰۴۳: «بنوشیم شربت طعم و شراب  
«بر» زائد است.

### ۶. اشتباه‌های چاپی

اشتباه‌های چاپی این متن، تاحدی زیاد است و تا جایی که به چشم نگارنده آمده، در زیر  
به آن‌ها اشاره می‌شود.

از آن گفته شد شد بهر نبرد»

بیت ۹۶: «بیاورد خلعت بیوشید مرد  
«شاد» درست است.

خدیدو جهان شاه مالک رقاب»

بیت ۲۰۰: «ولوعزم پیغمبر کامیاب  
«ولولوعزم» درست است.

چه آری همین آب تیره به جوی»

بیت ۴۲۹: «بدو گفت بیژن که ای تندخوی  
«همی» درست است.

ببینم روز که گردد چو غار»

بیت ۴۴۷۸: «که با هم بکوشیم در کارزار  
«ببینیم» درست است.

زمانی به میدان کینه بمان»

بیت ۵۵۷۷: «قاب‌فکنش گفتی کای پهلوان  
«گفت» درست است.

همان هم جهان‌بخش با گیر و دار»

بیت ۷۰۱۹: «همان شیردم گرد جنگ استوار  
«کرد» درست است.

برن آیدش دل ز اندوه و غم»

بیت ۷۹۸۲: «که آن باره را دست سازد قلم  
«برون» درست است.

همی هر کس سوی او رو نهاد»

بیت ۸۵۸۵: «فغان در میان بتان اوفتاد  
«هر کسی» درست است.

کیشدند تا بر در قصر شاه»

بیت ۹۲۷۵: «به گردون مر آن چرم آکنده کاه  
«کیشدند» درست است.

سرانشان روان کن به نزدیک من»

بیت ۹۵۵۶: «وگرنه پپردازد جانشان ز تن  
«پپرداز» درست است.

بلرزد بر خود به کردار بید»

بیت ۹۹۵۲: «چه فهرست یال تهمتن بدید  
«بلرزید» درست است.

که تا بر رخ خوب تو بنگرم»

بیت ۱۱۴۵۸: «نشان باز بر روی تخت رزم  
«رزم» درست است.

سراسیمه شد شیر نر زان مصاف»

بیت ۱۲۰۴۴: «نیامد بدون تیغ کین از غلاف

- «برون» درست است.  
بیت ۱۳۱۵۱: «که من سو آن بارگاهت برم  
«سوی» درست است.
- بیت ۱۳۲۸۰: «سزاوار او خلعت و باره داد  
«شاد» درست است.
- بیت ۱۳۳۰۷: «که شاها دلیری نقاب افکنی  
سرافرازی صحیح است.
- بیت ۱۳۶۰۵: «چه بنمایدت مهر آگاه باش  
مصحح به اشتباه برای واژه «گاه» کسره گذاشته است.
- بیت ۱۴۹۷۱: «ببوسید و را روی و گوید بگیر  
«ببوسد» درست است.
- بیت ۱۵۷۴۱: «بزد دست و پرده کشیده از رخس  
«کشید» درست است.
- بیت ۱۵۷۷۱: «بپوشید بر آرد ز جادو غریو  
«بپوشد» درست است.
- بیت ۱۵۸۴۹: «زر و سیم و آن گوهر بی شمار  
«بار» درست است.
- بیت ۱۷۱۷۰: «بیامد بر گرد زرن قبا  
«زرن قبا» درست است.
- بیت ۱۸۰۸۹: «دلیران زابل از او در هراس  
«بود» درست است.
- بیت ۱۸۱۰۳: «بگفت و به زنگی خروشید سخت  
«بدگوهر» درست است.
- بیت ۱۹۰۱۶: «بدیدند عالی یک بارگاه  
«یکی» درست است.
- بیت ۱۹۲۱۰: «دل شاه کند آوران خون شده  
«بیرون» درست است.
- بیت ۱۹۶۱۸: «بیا تا برم نزد شامت کنون  
«خون» درست است.
- بیت ۲۰۰۲۷: «که هر بازویش بد ز دستان فزون  
«دو» درست است.
- بیت ۲۰۰۷۶: «ز جا جست و شدی سوی دیو سیاه  
«شد» درست است.
- بیت ۲۰۱۲۲: «سپه دیو را گر تو از چنگ من  
رها کردی ای سگری شوم تن»
- به نزدیک آن تختگاهت برم»  
«سوی» درست است.
- کهیلان و مهراس از او گشت شد»  
«شاد» درست است.
- سرافرازی گردی و شیر اوژنی»  
سرافراز صحیح است.
- به گاه ار شدی آگه از چاه باش»  
مصحح به اشتباه برای واژه «گاه» کسره گذاشته است.
- تو بستان از او طوطی دلپذیر»  
«ببوسد» درست است.
- نگه کرد بر چهره فرخس»  
«کشید» درست است.
- نه شماس ماند نه جادو نه دیو»  
«بپوشد» درست است.
- همه بر هیونان بکردند باز»  
«بار» درست است.
- یکی نیزه در دست چون ازدها»  
«زرن قبا» درست است.
- گه رزم و کین بد چون منهراس»  
«بود» درست است.
- که ای دیو بدگهر تیره بخت»  
«بدگوهر» درست است.
- که سقفش همی راز گفتی به ماه»  
«یکی» درست است.
- دل زال از دیده برون شده»  
«بیرون» درست است.
- بگویم ببخشد نریزدت خوان»  
«خون» درست است.
- دو دیده به کردار و طاس خون»  
«دو» درست است.
- گرفتش کمربند آن کینه خواه»  
«شد» درست است.
- رها کردی ای سگری شوم تن»  
بیت ۲۰۱۲۲: «سپه دیو را گر تو از چنگ من

«سیه‌دیو» درست است.

بیت ۲۰۱۶۲: «قضا را همان سوی دستان نمود

«جان» درست است.

که از جا ایشان برآریم دود»

بیت ۲۰۲۳۰: «بیامد بر زادش در زمان

«دلیران» درست است.

همان هم دلیر مازندران»

بیت ۲۰۲۳۹: «کریمان بیامد بر شه راد

«شاه» درست است.

ببوسید دست شه پاک‌زاد»

بیت ۲۰۲۸۰: «سراسر ز فیروز و لعل و در

«فیروزه» درست است.

چه بود از بهایش همه دشت پر»

بیت ۲۰۳۲۳: «نشستند با شادمانی و رود

«بود» درست است.

گهی یوده باده گهی بد سرود»

بیت ۲۰۳۴۵: «دلیری کز آهو در آهو شد

«شود» درست است.

چه سان با دلیران به یک سو شود»

بیت ۲۰۴۸۱: «نقابى نَفکنده به رخسار خویش

«فکنده» درست است.

بزد باره آمد مر او را به پیش»

بیت ۲۱۰۶۷: «چه سرخوشی شوی چنگ و نای و سرود

«سرخوش» درست است.

بیارم شوی تازه از بانگ رود»

بیت ۲۱۳۲۵: «بگفتا برمتان سوم سیم و زر

«سوی» درست است.

به پیمان که از من نبرید سر»

بیت ۲۱۷۰۱: «ز بیم دلیرن همه سیم و زر

«دلیران» درست است.

در این باغ بنهفته شد چاره‌گر»

بیت ۲۱۸۳۰: «تهتن ز جا جست کای تاجور

«تهمتن» درست است.

کنون من در این ره بیندم کمر»

بیت ۲۲۰۳۹: «که مهمان مایید شاید آمدید

«شاد» درست است.

خرد را چه شایسته داد آمدید»

بیت ۲۲۲۸۵: «مر آن مرد از تخت شد ناپدید

«کس» درست است.

چنان شد که کسی روی گیتی ندید»

عنوان صفحه ۱۲۵۲: «و زازی جوانان...»، «زاری» درست است.

بیت ۲۲۸۵۶: «جهان این چنین یاد داری بسی

«دارد» درست است.

نباشد دلش مهربان با کسی»

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، متن منظومه شاهنامه اسدی بررسی شد. این متن را سجّاد آیدنلو تصحیح و منتشر کرده است. مصحح محترم نام پیشنهادی زرّین‌قبانامه را بر آن نهاد

است؛ چنان‌که از شواهد پیداست، فعلاً باید «اسدی» نامی را - که نمی‌شناسیم - سراینده منظومه بدانیم و عبارت «از سراینده‌ای ناشناس» را از روی جلد کتاب بزدااییم. از ایرادهای دیگر این تصحیح، سرنویس‌های داستان‌هاست که اغلب حدود ۱۰-۱۵ بیت زودتر از جای اصلی خود آمده است. این مسئله ناشی از اشتباه‌های کاتب است که باید مصحح کتاب آن‌ها را اصلاح می‌کرد. در این منظومه، فهرست نام کسان دقیق نیست. برخی نام‌ها اصلاً در این فهرست وجود ندارد، افزون بر این گاهی شماره ابیات این فهرست درست ضبط نشده است. یک‌دست نبودن متن، مورد دیگری است که در این مقاله به آن اشاره شد و به‌خصوص در مورد ضبط اسامی گفته شد که باید یک‌دست باشد. در پایان پیشنهادهایی برای ضبط ابیات مطرح و همچنین فهرست اشتباه‌های املائی درج شد.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۲۴

### پی‌نوشت

۱. در تصحیح یغمایی «عشقت» ضبط شده است و آیدنلو به تصحیح یوسفی (۱۳۸۵) صفحه ۳۳۲ ارجاع داده است.

### منابع

- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). فردوسی‌نامه. تهران: علمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). زرین‌قیانامه. به کوشش سجاد آیدنلو. تهران: سخن.
- سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۹۰). غزلیات سعدی. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). غزلیات سعدی. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: سخن.
- طومارکهن شاهنامه فردوسی (۱۳۷۴). به کوشش جمشید صداقت‌نژاد. تهران: دنیای کتاب.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- قائمی، فرزاد (۱۳۹۱). معرفی انتقادی، متن‌شناسی و نقد متنی حماسه ناشناخته شاهنامه اسدی. جستارهای ادبی. شماره (۱۷۸)، ص ۱۳۱-۱۰۵.
- نایگلی، محمدشریف (۱۳۹۶). طومار جامع نقالی شاهنامه. به کوشش فرزاد قائمی. مشهد: به‌نشر.
- نثرنقالی شاهنامه (۱۳۹۷). تصحیح رضا غفوری. تهران: آرون.